

(۱۱)

۲

خطوط اساسی فرهنگ اسلامی

۳-۳-۳

علم و دانش که بعنوان شاخه کار در شنده فرهنگ قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است، هر چند که پایه‌های آن به گذشته ما بر می‌گردد و در آن دور میز دولی در اینجا معنای است موقعیت و علم را در اسلام بطور استقلال بررسی نمائیم؛ اسلام به همه علوم یا دیده تقدیر و احترام نگریسته و آنها را وسائلی معتبر در راه رسیدن انسان به هدف انسانی و کمال اسیل و مقام «خلیفة اللہ» خود شناخته و سپردارین راه را بعنوان یک واجب مقدس تلقی نموده است.

و حقیقت اینست که برای علم هیچگونه گفاهی غیر از کشف حقیقت نیست و شخص با ایمانی که با علم بنیاد بر خاسته و از آن هراس دارد باید ایمان خود را مورد تجدید نظر قرار داده و در آن تردید نماید. زیرا ترس از کشف حقیقت مبهومی جز این نخواهد داشت که وی از معارضة دینش بپا واقفیت بیم دارد و حسال آنکه ایمان عمیق بر اساسی حرکت و نهضت علمی را پدید می‌آورد.

و در اینجا مناسب می‌بینم به افراط و تفریطهایی که در آراء بعضی، پیرامون موقف اسلام در قبال علوم جدید مشاهده می‌گردد اشاره کنم:

مثلا در آن هنگام که بشر در صد و شصت و سه فضا آمده بود، عده‌ای گفتند چنین امری غیر ممکن است، زیرا این دخالت در قدرت پروردگار میباشد، گویا به پندار آنها خداوند در فضا قرار گرفته و یا قلمرو حکومت او تنها فضا است!

راستی جای تعجب است، آخر چه تفاوتی است میان کره زمین و کواکب آسمانها، و «ملك السموات والارض» و حکومت آسمانها و زمین با خدا است.

و همین آراء و گفتار کوتاه و غیر متداول است که زمینه را برای نفوذ و تأثیر کلمات بعضی از طرفداران مکتب مادیگری مساعد میگرداند که میگویند: مادروا تسخیر ماه نملانکه ای را دیدیم و نه یا خلدنماست فشمس؟ و نیز جنگلیکه میشتو تده جسمی اذناشندان برای ایجاد سلول زنده کوشش میکنند. میگویند ما این موضوع غیر ممکن است (و حال آنکه هیچگونه دلیل بر عدمیای خود ندارند).

و در مقابل دسته دیگری راه افراط را پیش گرفته و میگویند: قرآن مجید از همه علوم جدید خرد راه و آید بشریت: «و اممشرالجن والانس انما خلقتم ان تفنوا من اقطار السموات والارض فانظروا لانفقون الا بسلطان» و بنظر آنها بطور سرسریح دلالت دارد بر امکان نفوذ بشر به اقطار آسمانها بوسیله نیروی علم و عقل!

بقیة ما این مطلبی استندال نیز غیر صحیح است زیرا اولاً: آیه مزبور مربوط به قیامت و روز حساب میباشد و ثانیاً: قرآن کتاب دین و تربیت است و ضرورتی ندارد که چنین کتابی بطور تفصیل در شرح کلیه شئون علمی گردد، بلکه قرآن مجید در یک مقیاس عمومی در پرستی انسانها را بر سر در ملکوت آسمانها و زمین و در هر درجه آن آفرینش و هدایح و صنع حق تباریس و ترغیب نموده و در سابق با این مطلب اشاره کرده که قرآن کریم هنگامیکه برای نمونه و مثال با یادمان از بدین معای طبیعی استنهاد میکند بیجوجه تحت تأثیر علوم و معارف در تاریخ زمان خود قرار نگرفته است.

۴- اسبابیات و هنر

ادبیات و هنر اسلامی که جزئی از ادبیات و هنر مشرق زمین میباشد از نظر فناء فکری و زیبایی فلکوروی (۱) که دارد از ذخایر ادبیات و هنر جهان مستند و بعضی از ادبیات و هنر متدیان جدید امثال شاعر اسپانیایی (میکائیل اونامونو) و شاعر آلمانی (گوته) از آن الهام گرفته اند. و تأثیر فراوانی که هنر اسلامی Arabesque در ساختمان و نقاشی و تصویر دارد هرگز نمی توان فراموش کرد.

مجال بحث و تحقیق درباره ادبیات و هنر وسیع و دامنه دار است اما در اینجا فقط به آن اشاره می‌کنیم که در مطالب زیر خلاصه کنیم:

الف - هنر نزد مسلمانان امتحان عام و حیاتی: و الله جعل وجهه الاجمال (۲) و زیبایی عمومی که در سراسر جهان هستی و در همه شئون آن تجلی کرده، سرچشمه گرفته است مادرجامه اسلامی هنرهای زیبایی را ملاحظه میکنیم که در همه شئون زندگی آنها، در خانه ها، در مساجد، در مشیرات و غلافهای آنها، در کتابها و جلد آنها، در بازار و معابد عمومی بطور وسیعی جلوه نموده و هیچگاه اختصاص طبقه ممتازی پیدا نکرد. و بسبب رفاه و تمیز دسته مذبذبی نشده است، با کوچکترین مظاهرهای در آثار و زیادهای تاریخی و مساجد و بازارها و خانه های قدیمی که در شام و اسیلیه و استانبول وجود دارد به نظر تمامی مسلمانان بی خوابی میبرد.

(۱) قرننگه قرانکوری یعنی در هنرنگه ها، است

(۲) خداوند زیبا است و زیبایی را دوست دارد (تفسیر القرآن للربانی)

ب- جلو گیری اسلام از ساختن «مجسمه»، هنر اسلامی را در سایر مراحل و قسمتها مخصوصاً در نقاشی و ساختنات در ردیف اول، پیشرو قرار داده است.

ج- ادبیات و هنر عصر جدید در بسیاری از زمینهها بهمانی دیده که هر چند در عقیده و روح انسان خردمندی بان رسالت نبیهد و بسبب و صلاح قتاله برای نابودی شخصیت انان در آسمانند در پر توان ملاحظات میتوانیم بعنوان نظر اسلام را درباره ادبیات و هنر در بایم.



و بالاخره آبا اسلام میتواند شکل پر رنگ قرن پیشتر را که «صلح» یا «صلحی» گفته چنین آیینی که ابداع خود را بطور رسوم امر صلح میکند (۱) و تحت آنها راه صلح و سلام قرار داده (۲) آبا میتواند در قبال چنین مشکلی بی تفاوت باشد!

در حال سوالی است که باید در ذهن استنهاد بحضار قرننگه جدید بان صلح گفت:

و سلام، امر است از اسماء پروردگار و معنی است از صفات ذاتش و مفسس و در جهان هستی منعکس گشته و در مخلوقات تجلی نموده است، خداوند سلام است و از وی سلام مشتق گرفته و پسوی او باز میگرد

چنان این محراب پهناور و وسیع بمنظور وجود و تسبیح برای خداوند ...

اجتماع: این مخصوصاً بر نظم و متنوع از فرزندان آدم...

انسان: این وجود ممتاز و سرسبز وجود... همه جلوی پروردگارند و موصوف به صفت سلام و صلح الهی، و حرکت از آنها نمونه ایست از دیگری، و بنا بر این صلحی که در جهان آفرینش مشاهده میگردد و صلح و سلامی که در افراد انسانی بودیده گذارده شده هر کدام را هم دامتق و معقول برای کوشش در راه صلح جهانی با مدارا دیده و تمواختلافات نژادی و تفاوتانی که در آراء و افکار مجتمع جهانی ملاحظه میشود علاوه بر اینکه نمیتواند در راه تحقیق صلح جهانی مانعی باشد بلکه اختلافاتی است فطری و بنیوان کمال و جمال جامعه، معارفه و تعاون و تکامل و وحدت را تسهیل مینماید.

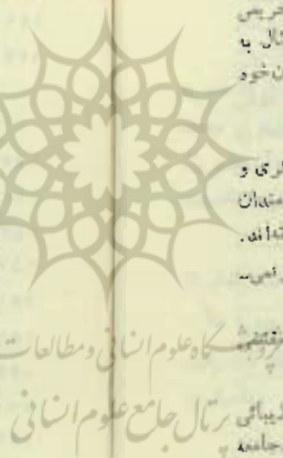
این اختلاف و تنبیر و اشعش: این تنوع در جسم انسان با همه خصوصیاتش و در صورتی که اسلام از آفرینش بان بخشید است تجلی کرده.

دوی این اصل بدون یک کوشش فرهنگی متناسب و هماهنگ و بدون دارا بودن روش واحد و عمومی صلح و سلام برقرار نمیشود همانطور که با اسرار در ایجاد یک سیستم خاص از نظر نظام اجتماعی و تولیدی و تکیه بر رویه نژاد همین صلح جهانی امکان پذیر نخواهد بود.

برادران عزیز این بود اسلام شما، و من یا اینکه با کمال خشوع اعتراف داریم که حق مطلب آنطور که باید ادانکرده ام، در عین حال بدان این بیانات اگر اسلام را غیر از آنچه که الان در دست ماست درنگ نموده، و متوجه شدید که این آئین مقدس قدرت دارد قیادت و رهبری بشریت را بسنده گرفته و فرهاگهای بدیدار، بوجود آورده و بالاخره اگر در دل خود دلبست و تمایل سادقی نسبت باسلام یافتید من و رفقا و وظیفه خود را انجام داده ایم... پایان

(۱) یا ایها الذین آمنوا اذخرفوا السلم كافة... (سوره بقره آیه ۲۰۸)

(۲) و تمیتهم فیها سلام... (سوره بونس آیه ۱۰۰)



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی